

طراحی ملین، برنده اثر لیوناردو داوینچی  
مستتر شده در کتاب فرهنگ و هنر سال نهم

کتاب فرهنگ و هنر سال نهم در

# یک نگاه

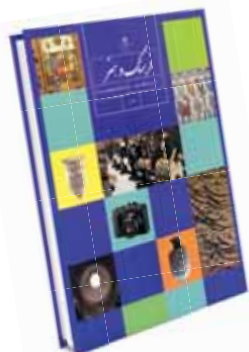
## اشاره

بهترین بازخورد کتاب‌های تازه‌تألیف هنر را می‌توان در دیدگاه‌ها و نظرات معلمان هنر مشاهده کرد. معلمان و دبیران محترم هنر به دلیل ارتباط مستقیم با محتوای کتاب‌های هنر در دوره‌های مختلف، توانایی نقد و مقایسه این کتاب‌ها را دارند. بر این اساس، دیدگاه‌ها و نکته‌های مورد توجه آن‌ها از قابلیت طرح زیادی برخوردار است. نوشتار زیر حاوی دیدگاه‌های دبیر هنری است که بیست و هشت سال سابقه تدریس هنر دارد.

حمیدرضا کاشانی



دبیر هنر مدارس کرمان



## درس دوم: طراحی از اشیا

تفاوت نگاه کردن و دیدن، جزء نکات ارزنده بخش طراحی است که مؤلف محترم موشکافانه در آن پیش رفته است اما در مثال‌های ص ۱۷، هدف از آوردن سه اثر متفاوت با یکدیگر (اگرچه دو مورد مینیاتور ادوار مختلف هستند) مشخص نیست و واضح نیست که چه نوع آموزشی مدنظر بوده است، همچنین، آوردن جمله ای از جناب قلی‌زاده در ص ۱۸، هم در صفحه‌آرایی و هم در محتوا (اگرچه در رابطه با درس هست) در موقعیت مناسبی قرار ندارد. در ادامه، توضیح جالبی از فضای باز و فضای یک کادر ارائه شده است که واضح و زیباست؛ اگرچه کنتراست اثر می‌توانست بیشتر باشد.

در ص ۱۹ دو روش برای طراحی از اشیا ارائه شده است که روش دوم تأثیرگذارتر به نظر می‌رسد. در ص ۲۰ نگاهی گذرا به مفهوم فضای مثبت و منفی شده است اما در کادر پایین، هدف استفاده از فلش و کادرهای رنگی اطراف آن نامفهوم به نظر می‌رسد.

در ص ۲۱ مهم‌ترین چیزی که توجه را به خود جلب می‌کند و بسیار هم نامربوط به نظر می‌رسد، چاپ یک ترکیب ضعیف خوش‌نویسی است. اگر این قطعه حذف و تصاویر بزرگ‌تر می‌شد، کمک بزرگی به صفحه‌آرایی کتاب بود. در همان صفحه، بند (پاراگراف ↑) دوم که مربوط به ترکیب اشیا است، اگر نمونه‌های موفق‌تری هم ارائه می‌شد خالی از لطف نبود (البته شاید نیاروند مثال تصویری به دلیل پرهیز مؤلفان از محدود کردن ذهن هنرجو بوده است).

مثال‌های احساس و تعاریف مربوطه هم جالب توجه‌اند اما یکی از بهترین تمرین‌های ارائه شده در این درس، بازی با خط و شکل است که در حد بالایی ذهن دانش‌آموزان را درگیر می‌کند و نمونه‌های زیبایی برای آن ارائه شده است. همچنین، در قسمت طراحی خطوط محیطی بدون نگاه کردن، تجربه‌های متفاوت و خوبی ارائه شد. مضاف بر اینکه کلاس بسیار پرنشاط بود و کنترل دانش‌آموزان، دشوار!

در مجموع، در این درس شاهد نوسان زیادی هستیم. طول و عرض مبحث زیاد شده است و با حجمی از اطلاعات و کار عملی روبه‌رو می‌شویم که گاه ارتباط دانش‌آموزان را با درس قطع می‌کند.

(در این درس نیز شاهد شش تمرین متفاوت هستیم)

## درس اول: اهمیت و کاربرد طراحی در هنر

بخش طراحی کتاب فرهنگ و هنر با دیدی کاملاً متفاوت با گذشته آغاز می‌شود؛ به طوری که حتی من تا حدودی از خواندن این بخش شگفت‌زده شدم و مطالب آن را با ولع تا پایان خواندم و بعد، لحظاتی چشم برهم گذاشتم.

بخش طراحی شامل سه درس است که بعد از تدریس کامل آن‌ها، تجربه بازخوردشان را در هشت کلاس پایه نهم ملاحظه کرده و در خاطر و کاغذ ثبت نمودم. اگر عنوان این درس با توجه به مطالب مطرح‌شده در آن با اهمیت و کاربرد طراحی در هنر، معماری، صنعت و... عوض می‌شد، نه تنها خالی از لطف نبود بلکه قدرت و کاربرد طراحی را در عصر حاضر به طور جامع‌تری نشان می‌داد.

درس اول با مثالی ساده و ملموس آغاز می‌شود و در عمل، اکثر هنرجویان را متقاعد می‌کند که به پیش‌طرح اهمیت بیشتری بدهند. در مثال‌های ص ۱۰ اگر نتیجه نهایی اثر (تابلوی رافائل) هم ارائه می‌شد، تأثیر قوی‌تری بر ذهن مخاطب می‌گذاشت؛ کما اینکه در ص ۱۲ (پردیس سینمایی) این اتفاق به خوبی تأثیرگذار بود. در ص ۱۱ به جای استفاده از دایره برای آنالیز بنای برج آزادی، با توجه به ویژگی قوی اشکال هندسی زاویه‌دار در این برج، اگر از مثلث یا مربع استفاده می‌شد (به زعم بنده) **بهتر** **بر کار سوار** می‌شد. همچنین اگر بیوگرافی مختصری هم از استاد/مانت و مراحل ساخت بنا آورده می‌شد تا با تاریخچه این بنای ماندگار بیشتر آشنا می‌شدیم، بهتر بود.

طراحی و اجرای یک پاکت‌نامه هم جزء نکات تأثیرگذار عملی این درس است.

(در مجموع، در خلال این درس دانش‌آموزان با هفت تمرین مواجه می‌شوند.)



## درس سوم: آشنایی با ترکیب‌بندی

مثال اول کاملاً بجاست اما قاب کج و هدف از مطرح کردن آن، دو مفهوم متفاوت را در ذهن متبادر می‌کند: آیا هدف از آن نشانه جلب توجه بوده یا نشانه، نشان‌دهنده عدم تعادل است؟ به هر حال، ارتباط مثال یک و سه برای بیان مفهوم ترکیب‌بندی موفق‌تر به نظر می‌آید.

در بخش تصاویر جاروبرقی، من اشاره‌ای طنزآلود و شخصی به دکمه‌های بزرگ تعبیه‌شده بر روی آن‌ها دارم که معمولاً خانم‌ها آن‌را با پاشنه کفش خاموش یا روشن می‌کنند و به این نتیجه می‌رسیم که ابزار صنعتی و خانگی بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد انسانی طراحی می‌شوند و دکمه جاروبرقی هم از این قاعده مستثنا نیست. سپس در مقام مقایسه، هنرآموزان نکات جالبی را مطرح کردند و موضوع به چالش کشیده شد.

آوردن طراحی یک صفحه نرم‌افزاری هم از آن نکاتی است که نشان از درایت مؤلفان دارد؛ زیرا دانش‌آموزان امروزی سروکار بسیار زیادی با این نوع از فناوری دارند و این برایشان جالب است.

در ص ۲۸ اشاره تصویری بجایی به مینیاتور ایرانی و مقایسه آن با اثر امپرسیونیستی می‌شود که توضیحات بیشتر هنرآموز می‌تواند نکته را بازتر کند.

در ص ۲۹ گرایش، بیشتر به سمت درک تصویر با رگه‌هایی از گرافیک است و از موضوع طراحی خارج می‌شویم، اما موضوع مطرح شده در تقویت قدرت نقد هنری تأثیر مثبتی دارد.

نمونه‌های تصویری ص ۳۰ که از عکاسی بهره گرفته است نیز در نوع خود قوی و قابل بحث‌اند اما با توجه به موضوع طراحی و نقاشی، اگر از مدل‌های موفق نقاشی در این زمینه کمک گرفته می‌شد، بهتر بود (مثلاً سالوادور یا دالی یا ...).

در نمونه دوم ص ۳۰ به نتیجه شفاف‌تری در مقایسه نمی‌رسیم.

یکی از صفحه‌های موفق درس سوم ص ۳۱ است که از چهار نمونه متفاوت و قوی بهره‌مند شده و باز توضیحات مکمل هنرآموز نمک ماجراست.

بحث تعادل در ص ۳۲ قاطعانه پیش می‌رود و نمونه‌های چاپ‌شده قابل تأمل و چالش برانگیزند. اما در نمونه سوم این صفحه، شکل ترازویی الاکلنگ برعکس چاپ شده و از خالق اثر هم نام برده نشده است.

## تمرین‌های درس سوم

**تمرین اول:** با توجه به ذهنی بودن تمرین و تلنگر به خلاقیت دانش‌آموز، این تمرین از تمرین‌های دشوار به‌شمار می‌رود؛ با این تذکر که تنه‌ای به تمرین خط و شکل ص ۲۲ نیز زده است.

**تمرین دوم:** با توجه به مستقل بودن این تمرین، احتمالاً به اشتباه تیک یک تمرین مستقل را ندارد.

**تمرین سوم:** این تمرین که گرایش واضحی به سمت کلاژ و گرافیک دارد، به برداشت‌های دانش‌آموزی متفاوتی در کلاس منجر می‌شود و هدف از آن مشهود نمی‌نماید. درس سوم ۴ تمرین کلی پرکار را در خود جای داده است.

## نتیجه

با توجه به دو رویکرد آموزش هنر (رویکرد آموزش سنتی و رویکرد آموزش دیسیپلین‌محور) می‌توان ادعان داشت که کتاب حاضر با توجه به مستندات موجود و نتایج آماري زیر، برعکس کتاب هنر دوره قبل به سمت رویکرد دیسیپلین‌محور گرایش دارد و همین نکته، کتاب فرهنگ و هنر جدید را از نمونه قبلی آن متمایز می‌کند. نکته‌ای که در هر دو کتاب اهمیت بسیاری دارد، نگرش بلندپروازانه مؤلفان است که در کتاب جدید بیشتر به چشم می‌آید. تعداد زیاد تمرین‌ها (هفده مورد) و بی‌توجهی به حجم کلی مطالب کتاب نکته‌ای است که معلمان هنر را نگران می‌کند و باعث می‌شود که در این عرصه تخته‌گاز به پیش بروند، و البته این امر با آرامش درونی و روح حاکم بر هنر منافات دارد (در مورد تمام بخش‌های کتاب در یک نظر اجمالی).

می‌دانیم که این مجموعه در محل آزمون و خطاست و مسلماً وحی منزل نیست. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که تعدیل کتاب از هر کار دیگری مهم‌تر است.

با توجه به تعداد جلسات در یک سال تحصیلی و دو ساعت هفتگی، زمان موجود نمی‌تواند پاسخ‌گوی آموزش این حجم مطلب باشد. نتایج بررسی (آمار فراوانی مباحث) طبق رویکرد دیسیپلین‌محور با چهار گرایش تاریخ هنر، زیبایی‌شناسی هنر، تولید هنر و نقد هنری به شرح زیر است:

تاریخ هنر: ۲۰ مورد ۳۳٪ (اگر تصاویر ارائه‌شده را هم جزء تاریخ هنر بدانیم)

تولید هنر: ۱۷ موضوع ۲۸٪

نقد هنری: ۱۵ مورد ۲۴٪

زیبایی‌شناسی هنر: ۹ مورد ۱۵٪

در پایان، ضمن آرزوی موفقیت برای مؤلفان محترم و ارج نهادن بر تلاش‌های شبانه‌روزی ایشان، فکر می‌کنم که باز هم می‌توان ریزبینانه‌تر به مطالب مطرح‌شده در کتاب نگریست و در چاپ‌های بعدی، نکات ریز منفی را به حداقل رساند. ما مدیون این مؤلفان و در کلاس درس مدافع مطالب و محتویات کتاب درسی هستیم.